روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۰ • ۱۸ شوال ۱۴۴۲ • ۳۰ می ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۱۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴
اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

عده‌ای از دوستداران محیط‌زیست به صورت خودجوش اقدام به پاکسازی بخشی از ساحل جفره در بندر بوشهر کردند، عکس: افسانه جعفری، باشگاه خبرنگاران جوان

زمین سبز

آوای سرزمین

سعید نبی
مستندساز محیط زیست

بعد از یک‌سال‌ونیم قرنطینه مطلقِ من و مریم، همسرم، به‌خاطر شیوع بیماری کرونا، دیروز صبح آوای من به دنیا سلام کرد؛ دختری که آرزو دارم نوای این دیار کهن باشد.

مستندساز محیط زیست چهار فصل را در طبیعت زندگی می‌کند تا بتواند لحظات بکری را طبق سناریو یا درامی که در نظر دارد، تصویربرداری کند؛ اما این‌بار استرس بزرگی وجودم را فراگرفته است که اگر سال‌های بعد دخترم همراه من برای دیدن بقایای طبیعت ایران همسفرم شد و خواست بداند گناه رفتار من و هم‌نسل‌هایم در تخریب طبیعتی که او هم در آینده‌اش سهمی داشته است، چیست، چه جوابی خواهم داد؟ یا اگر پرسید آیا نفس‌کشیدن در هوای پاک بدون آلودگی و ریزگرد حقشان نبوده یا ما با سهم آب شرب هم‌نسل‌هایش چه کرده‌ایم، با چه رویی می‌خواهم نگاهش کنم؟

سال‌هاست طبیعت ایران از یک طرف قربانی توسعه در سیاست‌های کلان شده و کارشناسان محیط زیست جز عده‌ای معدود که متعهد به این آب و خاک هستند، سکوت کرده‌اند؛ سکوتی که شاید بعدها تاریخ انتقامش را از فرزندان آنها خواهد گرفت، سکوتی که نه از سر مصلحت است! بلکه از سر وحشت است و ترس؛ چراکه به اعتبار انتشار کاریکاتوری در یکی از سایت‌های خبری تحلیلی محیط‌زیستی، بزرگ‌ترین عمل جراحی در ایران کندن برخی از مسئولان و کارشناسان از صندلی ریاست شده است!

اخیرا عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست گفته است: در نیمه دوم دهه ۶۰ و با توجه به افزایش جمعیت و سیاست‌های کلان کشور و با درنظرگرفتن اینکه ناپایداری در توسعه در کشور یک رسم بوده و هست، تجاوز به طبیعت و آب و خاک و محروم‌کردن طبیعت از منابع خودش سبب شده که کشور به این روز بیفتد؛ گردوغبار، خشک‌سالی و فرسایش خاک آن.

اما چرا رئیس سازمان محیط زیست این حرف‌ها را بعد از مطرح‌کردن جنگ آبی استان به استان و روستا به روستا در آینده‌ای نزدیک در کشور مطرح کرده است؟

ایران در سال‌های اخیر در بسیاری از مؤلفه‌های محیط‌زیستی در دنیا سقوط آزاد کرده و حتی در نمودار سقوط در برخی از فکت‌ها نیز رکورددار بوده است؛ چراکه دو عامل سیاست‌های توسعه‌ای کلان برخلاف توسعه پایدار و برمبنای سازه‌های عمرانی، رشد اقتصادی صرف و گسترش خلق نیاز در دهکده جهانی از یک طرف و رشد سریع جمعیت در یک دهه و پیرو آن نبود برنامه‌ریزی برمبنای اقلیم و توسعه پایدار که با تشدید فقر و نظام طبقاتی و کاهش مؤلفه‌های رفاه اجتماعی و اقتصادی همراه بوده، از طرف دیگر در کنار تحریم‌ها به محیط زیست کشور فشار مضاعف و هم‌زمان وارد کرده است. تا پایان سال ۹۹ نرخ فقر در مناطق روستایی دو برابر شده و در مناطق شهری ۶۰ درصد رشد کرده است. این مسئله سبب شده حدود هشت میلیون ایرانی که در طبقه متوسط دسته‌بندی می‌شدند، به طبقه متوسط پایین بروند و در ۱۰ سال گذشته طبق آمار رسمی ۳۴ میلیون نفر از مردم ایران و طبق آمار غیررسمی ۸۰ درصد مردم کشور روی خط و زیر خط فقر زندگی کنند؛ موضوعی که بیش‌ازپیش به تخریب جنگل‌ها، منابع آبی با توسعه کشاورزی سنتی، آب‌های زیرزمینی، منابع آبزیان، تالاب‌ها، مراتع و شکار بی‌رویه جهت مصارف روزانه دامن می‌زند و قاچاق چوب و توسعه مصرف‌گرایی را رونق می‌بخشد.

همچنین در همین چند سال اخیر به دلیل سدسازی‌های بی‌رویه با بهانه حفظ منابع آبی برای مصارف کشاورزی (با مصرف ۹۰ درصدی)، صنعت (با مصرف دو درصدی) و شرب (با مصرف هشت درصدی) و دست‌بردن به محیط زیست و تخریب جنگل‌ها به‌دلیل مصارف چوبی زیان بی‌شماری به طبیعت کشور وارد شده و خشک‌سالی‌های عدیده‌ای بروز کرده است. از حدود سه میلیون هکتار شامل ۱۰۵ تالاب در کشور، حدود یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزار هکتار یعنی معادل ۳۰ درصد آن و به تعداد ۶۰ تالاب بزرگ و اصلی کشور خشک شده است. سالانه ۱۲ هزار هکتار از جنگل‌ها در کشور نابود می‌شوند؛ به‌طوری‌که در ۴۰ سال اخیر ۸۰ درصد جنگل‌ها و منابع طبیعی کشور نابود شده و ۵۰ درصد از این نابودی‌ها در ۳۰ سال گذشته بوده است. در مدیریت منابع آبی از بین ۱۳۳ کشور ایران دارای جایگاه ۱۳۲ است.

در حوزه آلودگی هوا سالانه حدود هشت میلیارد دلار خسارت اقتصادی و محیط‌زیستی به کشور وارد می‌شود و بیش از دوهزارو ۷۰۰ نفر فقط در کلان‌شهر تهران براثر زندگی در این شهر و تنفس ذرات معلق کمتر از دوونیم میکرون جان خود را از دست می‌دهند. در بحث فرسایش خاکی آمارها می‌گوید جابه‌جایی و نرخ فرسایش آبی و بادی به میزان سه برابر متوسط آسیا است؛ چراکه پنج میلیارد تن خاک در سال فرسایش می‌یابد و این مهم سبب شده ایران در دنیا رکورددار بدترین وضعیت فرسایش در جهان باشد. ۲۳ استان کشور با پدیده گردوغبار دست‌وپنجه نرم می‌کنند و وجود آلودگی آزبستی در کشور ۵۰ برابر حد مجاز است.

امیدوارم آوای من و آواهای این سرزمین روزی که این یادداشت را مطالعه می‌کنند، سازشان کوک باشد و حالشان خوب.

بغض خاموشم و آواشدنم نزدیک است/ گره کورم اگر واشدنم نزدیک است. شهر من گم شده زیر تلی از خاکستر/ در پی‌ام هستی و پیداشدنم نزدیک است.

مغز اجتماعی-۱۶۳

وجدان‌پریشی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

خبر تکان‌دهنده قتل همراه با مثله‌کردن و جادادن اعضای شقه‌شده جسد مرد مستندساز چهل‌وچندساله، در کیسه‌های زباله و تقسیم آن در سه سطل زباله در سطح شهر، به دست پدری ۸۱ ساله، نظامی بازنشسته، ترکش‌خورده و شیمیایی‌شده در جنگ، با همکاری مادری هفتادوچندساله، نهایت شقاوت سنگدلانه در جامعه بسته سنتی را نشان می‌دهد. تکان‌دهنده‌تر اینکه پدر یک‌بار در ۱۰ سال گذشته، دامادش و هفت سال پیش دخترش را به سبک مشابهی سربه‌نیست کرده بود. پزشکی قانونی نیز پس از معاینه روانی پدر و همدست او مادر، رأی به سلامت روانی از نظر جنون و دیوانگی داده بود. با این حساب، حق با مردم عادی حیران‌مانده در جامعه بود که این سؤال را تکرار کنند: چگونه برای دو فرد مسن عاقل و سردوگرم‌چشیده روزگار، آن‌قدر وجود پسر یا دخترشان غیر قابل تحمل، بی‌ارزش و به‌دردنخور تشخیص داده می‌شود که حاضر شوند او را نه از سر خشم و غضب، بلکه با کمال خونسردی و سنگدلی، با طرح و برنامه به شیوه بربرمآبانه‌ای بکشند، قطعه‌قطعه کنند و به سطل آشغال بریزند تا اثری از سوژگی آنها باقی نماند. این نمونه بارز از رفتار کسانی است که به آنها «سایکوپات» می‌گویند. به نظرم بهتر است به زبان فارسی این نوع از اختلال شخصیتی را «وجدان‌پریشی» بنامیم. در تعریف امروزین، وجدان (کونسیانس)، از لزوم اخلاقی‌بودن انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی خبر می‌دهد. از نظر زیستی، رشد و تکوین تشکیلات مهمی در بخش میانی و عمیق مغز انسان برای ساخت و کار وجدان در تنظیم اخلاق بینافردی و بیناسوژه‌ای در سطح خانواده و اجتماع اختصاص دارد. طبق مطالعات ۳۰ سال گذشته، وجدان‌پریشی درجاتی دارد. بسیاری از وجدان‌پریش‌های با درجات خفیف در شرایط معمول اجتماعی، نه‌تنها دست به جنایت نمی‌زنند، بلکه با مهارتی که در جلب اعتماد و توجه دیگران و فریب افکار عمومی دارند، حتی می‌توانند به مدیریت گروه و اجتماعات خاص نیز برسند و طرفداران ریز و درشتی را در اطراف خود حتی در سطح جهانی دست‌وپا کنند. اما آنچه جدیدا در شهرک اکباتان تهران اتفاق افتاد، نشانه وجدان‌پریشی در نهایت اوج سنگدلی، بی‌رحمی و قساوت است؛ زیرا این جنایت فجیع در درون خانواده اتفاق افتاده است و پدری با همیاری مادر، پسر یعنی به‌اصطلاح معمول جگرگوشه‌شان را به‌طرز فجیعی قطعه‌قطعه کرده و به سطل زباله سپرده‌اند. این درجه از وجدان‌پریشی که عواقب دهشتناک آن بتواند این‌چنین کانون خانواده را هدف بگیرد، شاید از شدیدترین نوع وجدان‌پریشی باشد و مغز کسانی که چنین اعمالی را انجام می‌دهد، می‌بایست از نظر مغزپژوهی مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا به احتمال زیاد اختلال جدی در مدارهای میانی و عمیق مغز وجود دارد که مربوط به تنظیمات هیجانی عاطفی بینافردی و بیناسوژه‌ای است، به‌ویژه اینکه این فرد سابقه صدمات موج‌گرفتگی براثر ترکش و شیمیایی‌شدن در جنگ را هم داشته است. آنچه در رفتار وجدان‌پریش ساکن شهرک اکباتان تهران پس از ارتکاب جنایت آشکار است، می‌تواند یکی از مشخصات بارز وجدان‌پریشی باشد. او پس از افشای جنایت، با قیافه‌ای حق‌به‌جانب، غلط‌انداز و با رفتاری عاری از هرگونه خطاکاری، شرم و پشیمانی، جلوی دوربین حاضر می‌شود. حتی در ضمن قبول ارتکاب جنایت، به آن مفتخر است و انگشتان خود را به علامت پیروزی به همگان نشان می‌دهد و نطق و خطابه در تأیید عمل شنیع خود نیز ایراد می‌کند و بدون اظهار پشیمانی و ندامت، از جنایات سنگدلانه مشابهی نسبت‌به اعضای دیگر خانواده هم پرده برمی‌دارد و به آن افتخار می‌کند. باید تأکید شود چنین افرادی از روی جنون آنی و به‌طور برنامه‌ریزی‌نشده، دست به جنایت نمی‌زنند، بلکه در کمال خونسردی، قساوت سنگدلانه خود را بدون کوچک‌ترین احساس همدلی و همدردی با مقتول، طبق برنامه از پیش طراحی‌شده به اجرا درمی‌آورند. این افراد اغلب جذابیت و ابهت ظاهری دارند و می‌توانند مریدانی تحت سیطره و فرمان خود داشته باشند و با همکاری آنها دست به جنایت بزنند. همکاران و همیاران این افراد می‌توانند افراد نزدیک خانواده هم باشند. در مورد فوق، همسر می‌تواند چنان تابع و تحت سیطره قدرت مردسالانه شوهر وجدان‌پریش قرار گیرد و مرعوب ایدئولوژی حاکم او باشد که به‌عنوان مادر نیز فرزندانش را فاسد و مستحق مرگی فجیع و محوشدن از صفحه روزگار بداند. به این اعتبار، در این مورد خاص، لزومی نیست که فرد همکار در جنایات نیز به درجاتی از وجدان‌پریشی مبتلا باشد؛ ضمن اینکه نمی‌توان امکان وجود وجدان‌پریشی در مادر را نیز کاملا ردشده دانست. فراموش نکنیم که این افراد وجدان‌پریش، خارج از ارتکاب اعمال سنگدلانه تکانشی و غیرمسئولانه جنایی نسبت به همنوع و حتی نزدیکان و جگرگوشه‌های خود در محیط خانواده، می‌توانند افرادی دارای هوش، عقل، مشاعر، منطق و ظاهری آراسته و مردم‌پسند و مطبوع باشند و در قانع‌کردن دیگران با زبان شیوای خود نیز مهارت داشته باشند. این افراد اغلب می‌توانند در امر سلامت روان خود حتی روان‌شناسان، روان‌پزشکان، روان‌کاوان تازه‌کار و ناشی را نیز گول بزنند و پی نخودسیاه بفرستند. یکی از مواقعی که این جنایات وجدان‌پریشانه چهره کریه و ترسناک خود را بیشتر آشکار می‌کند، وقوع قساوت بی‌رحمانه نسبت به افراد نزدیک و دلبستگان در پیوند بیولوژیک مانند پسر یا دختر است؛ وگرنه همین جناب سرهنگ وجدان‌پریش با اعمالی سنگدلانه و پرقساوت مشابه در میدان جنگ می‌توانست مدال افتخار نیز بر گردن آویزان کند. فراموش نکنیم که شخصیت‌های وجدان‌پریش به درجات متنوع در همه اجتماعات بشری همیشه بوده و خواهند بود و در شرایط مختلف حتی می‌توانند به اشکالی بروز کنند که در عرف و اخلاق ساختاری جامعه خود پذیرفته و مقبول جلوه کنند و به مقاماتی نیز برسند؛ البته گاه نیز همچون مورد اخیر، در اشکال ترسناک بیرحمانه و فجیعانه‌ای، وجدان عمومی جامعه را جریحه‌دار کنند. مواظب، مراقب و آگاه باشیم و یاد بگیریم که در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، گول ظاهر خونسرد و مسلط، آرام و منطقی جانیان وجدان‌پریش را نخوریم و به آنها اعتماد نکنیم تا طعمه فریب‌کاری، دغل‌بازی و قساوت پنهان آنها نشویم.

روزها

کلاه‌آبی‌های ایران

ایسنا: ۲۹ می روز جهانی «صلح‌بانان سازمان ملل» یا همان «کلاه‌آبی‌ها» است؛ روزی برای ادای احترام به همه کسانی است که با شجاعت و جسارت به‌منظور تحقق صلح جهانی پس از عضویت در یگان‌های حافظ صلح کشورهای خود، در عملیات‌های صلح سازمان ملل شرکت کردند و جان خود را در راه صلح از دست دادند. عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد به‌عنوان ابزاری برای نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی بر سه اصل اساسی رضایت طرفین، بی‌طرفی و استفاده‌نکردن از قوه قهریه مگر برای دفاع از خود و دفاع از مبانی منشور سازمان ملل متحد بنا نهاده شده است. در این عملیات‌ها که باید با رعایت احترام کامل به حقوق بشر انجام شوند، یگان‌هایی از چند کشور تأمین‌کننده نیرو با زبان، فرهنگ و خصایص حرفه‌ای مختلف، عناصر نظامی را تشکیل داده و برای حفظ صلح با هم همکاری می‌کنند. یگان حافظ صلح در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ در نیروی زمینی ارتش تأسیس شد و یک سال بعد نیز توسط سازمان ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شد. درحال‌حاضر یگان حفظ صلح ارتش در حضور در قرارگاه عملیاتی لشکر ۲۳ متحرک هجومی ولایت نیروی زمینی ارتش مستقر است. امیر سرتیپ دوم اکبر نجفی، فرمانده قرارگاه با اشاره به سطح آمادگی یگان حفظ صلح ارتش، می‌گوید: «امروز این آمادگی را داریم که هر زمان که سلسله‌مراتب فرماندهی و در رأس آن سازمان ملل متحد دستور و درخواستی جهت اعزام نیروی حافظ صلح از جمهوری اسلامی ایران مطرح کند، نیروهای حافظ صلح خود را به هر نقطه از جهان اعزام کنیم».

یادداشت

دستاوردها و عواقب حاکم‌شدن احساسات در دوراهی‌های تاریخی

کامران امامی

● ۱۰۲ سال پیش و پس از تسلیم‌شدن آلمان در پایان جنگ جهانی اول، به مسئولان قطاری که هیئت آلمانی را برای شرکت در کنفرانس ورسای می‌آورد دستور داده شده بود که با سرعت بسیار کم حرکت کنند تا هیئت آلمانی خرابه‌های جنگ در فرانسه را بهتر ببیند. ملت‌های فاتح و خشمگین جنگ جهانی اول به‌دنبال «له‌کردن آلمان مغلوب» بودند و در ورسای هم دقیقا به همین هدف رسیدند. چندی بعد یک فرغون پر از اسکناس‌های آلمانی ارزشی بیشتر از آن همه اسکناس داشت. تنها مخالف این سیاست در ورسای، آقای اسماتز نخست‌وزیر آفریقای جنوبی بود که هفت سال بعد تئوری تفکر جامع‌گرایانه را توسعه داد.

چند سال بعد، هیتلر بر موج خشم آلمانی‌های خسته از زیرپاماندن غرور ملی و ورشکستگی اقتصادی سوار شد و مقدمات شروع جنگ جهانی دوم و مرگ ۶۰ میلیون نفر را رقم زد. ۲۱ سال بعد از کنفرانس ورسای، فرانسه برای بیش از چهار سال به اشغال آلمان نازی درآمد و تنها با هزینه‌های انسانی و مادی عظیمی آزاد شد. انگستان نیز در آستانه اشغال توسط آلمان نازی بود.

فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌های خشمگین قربانی خشم خود شدند و همین‌طور آلمانی‌هایی که دوباره کشورشان را شکست‌خورده، مخروبه و اشغال‌شده یافتند. شش سال بعد از پایان‌یافتن جنگ جهانی و درحالی‌که بعد از آن‌همه کشتار و ویرانی، زمینه دمیدن بر کینه‌های بین آن ملت وجود داشت، با غلبه عقلانیت بر احساسات، مقدمات شکل‌گیری اتحادیه اروپا فراهم شد تا با هم‌پوشانی منافع اقتصادی کشورهای عضو، صلح تقویت شود.

اکنون پس از ۷۰ سال به نظر می‌رسد دستاوردهای عقلانیت اروپای پساجنگ بسیار مثبت‌تر و بیشتر از عواقب احساسات آن ملت‌های خشمگین بوده است. در بیشتر موارد احساسات کوتاه‌مدت ملت‌ها می‌تواند با منافع درازمدت آنها هم‌جهت نباشد. اکنون و بعد از پنج سال از رفراندوم برگزیت در سال ۲۰۱۶ که به خروج انگستان از اتحادیه اروپا منجر شد، براساس نظرسنجی‌های انجام‌شده، از اوایل ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی به‌صورت پیوسته بیشتر مردم موافق بازگشت به اتحادیه اروپا هستند (در آخرین نظرسنجی ۴۷ درصد موافق بازگشت و ۳۸ درصد مخالف بازگشت بودند درحالی‌که در رفراندوم ۲۰۱۶، برگزیت با دو درصد رأی بیشتر تصویب شد).

علت آن است که در ۲۰۱۶ بیشتر رأی‌دهندگان تصوری از پیچیدگی‌ها و چالش‌های جدایی از اروپا نداشتند، ولی درهرحال جدایی انگستان در نتیجه غلبه مقطعی احساسات تحقق یافت. بهار عربی هم که بر موج نارضایتی از دولت‌های حاکم سوار بود، سرنوشتی بهتر از خزان عربی پیدا نکرد. احساسات پرشور مردم در میدان تحریر قاهره در نهایت به استقرار یک دیکتاتوری نظامی خشن‌تر انجامید.

با این مقدمه باید از غلبه احساسات در نتیجه فشار حداکثری بر آحاد مردم کشورمان و بر اقتصاد کشور نگران بود (شبکه‌های اجتماعی آینه تمام‌قد احساسات حاکم هستند). فشارهای خارجی در بیشتر موارد مانند کودتای ۲۸ مرداد، در درازمدت عواقب منفی برای کشورمان به بار آورده‌اند. در این چارچوب و با توجه به موارد ارائه‌شده باید به تجارب تاریخی ملت‌های احساساتی بیشتر توجه کرد: «در دوراهی‌های تاریخی، تکیه مطلق ملت‌ها بر احساسات و کم‌رنگ‌شدن عقلانیت و محاسبات سود به هزینه، در درازمدت و در بیشتر موارد نتایجی ۱۸۰ درجه مخالف منافع ملی به دست داده است؛ مانند اشغال فرانسه و آلمان در جنگ جهانی دوم یا موج‌سواری سیاست‌مداران پوپولیست بر نارضایتی‌های برحق اجتماعی و حاکم‌شدن آنها».

اتفاق

گاردین: ویلیام آموس، نماینده پارلمان کانادا، از اینکه حین یک جلسه مجازی در مقابل دوربین ادرار کرده، عذر خواسته و موقتا از مقام خود در کمیته پارلمانی علوم کناره‌گیری کرده است؛ اگرچه قصد دارد به‌عنوان نماینده به فعالیتش ادامه دهد. ماه گذشته هم تصویر حضور برهنه او در یک جلسه پارلمان کانادا خبرساز شده بود.

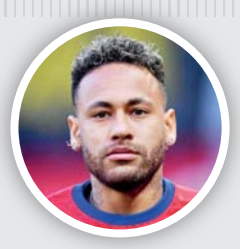

تایمز: نایک همکاری ۱۵ساله‌اش را با نیمار به‌دلیل آزار جنسی پایان داد. یکی از کارمندان این شرکت در سال ۲۰۱۸ از آزار جنسی نیمار علیه‌اش در سال ۲۰۱۶ در نیویورک گزارش داده بود. نیمار در این سال‌ها ارتباط با این خانم را تکذیب کرده بود. سرانجام با تشکیل پرونده و شروع تحقیقات نهایتا به این تصمیم ختم شد.

یورونیوز: جیمی لای، تاجر مشهور آسیایی که به «غول رسانه‌ای» هنگ‌کنگ نیز مشهور است، به‌همراه هفت فعال دموکراسی‌خواه دیگر ازسوی دادگاه به‌دلیل شرکت در تظاهرات اعتراضی هفتادمین سالگرد تأسیس چین کمونیست به زندان محکوم شد. او باید ۲۰ ماه را به جرم «سازماندهی و شرکت در اجتماعات غیرقانونی» در حبس بگذراند.

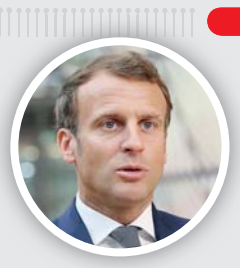

بی‌بی‌سی: امانوئل مکرون از مردم رواندا بابت نقش کشورش در نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ عذرخواهی کرد. در جریان این نسل‌کشی حدود ۸۰۰ هزار نفر از قوم توتسی و هوتو کشته شدند. مکرون که در مراسمی در یادبود قربانیان این نسل‌کشی در کیگالی، پایتخت رواندا، صحبت می‌کرد، گفت که فرانسه به هشدارهای مربوط به قتل‌عام توجه نکرد.

دویچه‌وله: جو بایدن به نهادهای اطلاعاتی دستور داد تا درباره منشأ ویروس کرونا تحقیق کنند. آمریکا چین را به کنترل و تحدید تحقیقات درباره منشأ ویروس کرونا متهم کرده است. براساس موضع‌گیری بایدن، احتمال انتشار تصادفی ویروس کرونا از آزمایشگاهی در چین دست‌کم در بخش‌هایی از دستگاه امنیتی ایالات متحده محتمل دانسته می‌شود.

نیویورک‌تایمز: وزیر فرهنگ فرانسه یک زن را به‌عنوان مدیر موزه لوور در پاریس برگزید. گزینش لورنس دکار به پیشنهاد امانوئل مکرون بوده است. او اولین مدیر زن در تاریخ برپایی این موزه است. طبق حکم منتشرشده، لورانس دکار ۵۴ساله از اولین روز ماه سپتامبر ۲۰۲۱ (۱۱ شهریور ۱۴۰۰) جانشین ژان لوک مارتینز می‌شود.